

بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی

حسین فخاری *

جواد محمدی **

محسن حسن نتاج کردی ***

چکیده

نظهور بودن و الزام وجود کمیته حسابرسی به عنوان جزئی از ساختار حاکمیت شرکتی و نقش و ویژگی‌های آن به عنوان ابزاری برای کاهش هزینه‌های نمایندگی در شرکتهای ایرانی موضوع بحث بر انگیزی است، این تمایل خصوصاً زمانی که بحث مدیریت سود از طریق اقلام واقعی مطرح است پر رنگتر می‌شود چرا که احتمال کشف مدیریت سود از طریق اقلام واقعی کمتر می‌باشد بر این اساس این پژوهش درصدد است تا به بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی بپردازد. برای این منظور داده‌های مربوط به ۱۱۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۲ به روش مقطعی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که رابطه معنی داری بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود از طریق اقلام واقعی وجود دارد این یافته‌ها می‌تواند برای خط‌مشی‌گذاران بورس از جهت تدوین و الزام به رعایت منشور کمیته حسابرسی مفید بوده و ضرورت بکارگیری اصول حاکمیت شرکتی و تهیه داوطلبانه گزارش حاکمیت شرکتی را به همراه داشته باشد

واژگان کلیدی: کمیته حسابرسی، مدیریت سود واقعی، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی، استقلال اعضای کمیته حسابرسی، اندازه کمیته حسابرسی

* عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران، نویسنده مسئول: h.fakhari@umz.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه مازندران

*** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه مازندران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۱۱

مقدمه

رسوایی اخیر شرکتهای بزرگ (همچون، انرون، وردکام و تایکو) موجب نگرانی عمومی در یکپارچگی اطلاعات منتشر شده در بازار سرمایه و عملکرد اخلاقی در فرایند گزارشگری مالی شده است. برای رفع این نگرانی ها قوانین جدیدی ایجاد شد که موجب تغییرات گسترده ای در نیازهای حاکمیت شرکتی و بهبود کیفیت گزارشگری مالی شده است، که یکی از این تغییرات اساسی و ضروری وجود کمیته حسابرسی در ساختار حاکمیت شرکتی شرکتها می باشد (اعتمادی و شفاخیبری، ۱۳۹۰؛ محمدیان، ۱۳۹۰). کمیته حسابرسی به عنوان یکی از کمیته های فرعی از هیئت مدیره و جزئی ضروری از ساختار اثر بخش کنترل داخلی شرکت به حساب آمده و همچنین وظیفه با اهمیتی از طرف سهامداران جهت نظارت بر فرایند گزارشگری مالی و حسابرسی داخلی و همچنین حسابرسی مستقل دارد (تختایی و همکاران، ۱۳۹۰؛ باباجانی و خنکا، ۱۳۹۱).

در ادبیات مالی، کمیته حسابرسی به عنوان جزئی از ساختار حاکمیت شرکتی، ابزاری برای کاهش هزینه های نمایندگی و همچنین وسیله نظارتی اثر بخشی برای بهبود روابط نمایندگی تلقی می شود (سلیمانی و مقدسی، ۱۳۹۳). سان و همکاران^۱ (۲۰۱۴) معتقدند وجود کمیته حسابرسی علاوه بر ارتقاء سطح کیفی مکانیزم حاکمیت شرکتی می تواند باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی شود. کوهن و زاروین^۲ (۲۰۰۸) نشان دادند که وجود کمیته حسابرسی باعث کاهش مدیریت سود در مقایسه با قبل از وجود کمیته حسابرسی در شرکتهای آمریکایی شده است. او در یافته های خود به این نتیجه رسید که مدیریت سود واقعی بعد از وجود کمیته حسابرسی نسبت به مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی بیشتر شده است.

علی رغم وجود انواع مدیریت سود در ادبیات مالی از طریق ارقام تعهدی و ارقام واقعی انتظار می رود که به دلیل قدرت کشف بالاتر مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی، مدیریت سود از طریق ارقام واقعی توجه بیشتری از مدیران را به خود جلب کرده باشد. به همین دلیل مطالعه اثر اجزاء حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود از طریق ارقام واقعی می تواند ضروری و با اهمیت تلقی شود.

1. Sun *et al*

2. Cohen and Zarowin

اگرچه تحقیقات زیادی در زمینه اثر اجزای حاکمیت شرکتی (کمیته حسابرسی) بر مدیریت سود (ویسواناتان^۱، ۲۰۰۸؛ کارسلو و همکاران^۲، ۲۰۰۸؛ کلاین^۳، ۲۰۰۲؛ بدارد و همکاران^۴، ۲۰۰۴؛ سان و هکاران، ۲۰۱۴) در سایر کشورها خصوصا پس از بحران مالی سال ۲۰۰۰ و تصویب قوانین مربوط به حاکمیت شرکتی (ساربنز-اکسلی^۵) وجود دارد ولی مطالعه در زمینه ویژگی های کمیته حسابرسی به عنوان جزء مهمی از ساختار حاکمیت شرکتی و اثر آن بر مدیریت سود در سایر کشورها کمتر به بحث گرفته شده است و در ایران نیز به علت جدید بودن قوانین مربوط به الزام وجود کمیته حسابرسی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، تحقیق تجربی که به بررسی تاثیر ویژگی های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود پرداخته باشد انجام نشده است.

بر این اساس مطالعه حاضر در صدد است تا به بررسی اثر ویژگی های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی پردازد. به این منظور ویژگی های کمیته حسابرسی شامل: ۱- تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی ۲- اندازه کمیته حسابرسی ۳- استقلال کمیته حسابرسی، بر مدیریت سود از طریق فعالیت های واقعی مورد مطالعه قرار گرفته- است. انتظار می رود مطالعه حاضر بتواند علاوه بر غنا بخشیدن به ادبیات کمیته حسابرسی در بازار نوظهور، خصوصا ایران، بیانگر اهمیت کمیته حسابرسی و ویژگی های آن در شرکت های ایرانی باشد.

در ادامه با مرور بر مبانی نظری تحقیق، پیشینه تحقیقات گذشته داخل و خارج مورد بررسی قرار گرفته و سپس فرضیه های پژوهش و روش شناسی تحقیق ارائه خواهد شد و در پایان تحلیل داده ها انجام شده و پیشنهادی بر گرفته از تحقیق ارائه می شود.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

کمیته حسابرسی

کمیته حسابرسی، کمیته ای متشکل از اعضای هیئت مدیره است که به طور معمول در ایران از سه تا پنج نفر مدیر غیر موظف (یعنی نه مدیر اجرایی شرکت و نه در استخدام شرکت)، در جهت ضمانت و افزایش منافع سهامداران و سرمایه گذران عمل کرده و

1. Visvanathan
2. Carcello *et al*
3. Klein
4. Bedard *et al*
5. Sarbanes-Oxley

همچنین به عنوان یک سازو کار کنترلی با هدف کاهش عدم تقارن اطلاعات بین سهامداران و سایر ذینفعان تشکیل می شود. (تختایی و همکاران، ۱۳۹۰؛ محمدیان، ۱۳۹۰). از جمله وظایف کمیته حسابرسی، کمک به انتخاب حسابرس، مدیریت فرایند کار حسابرسی، کمک به اعضای هیئت مدیره در درک بهتر نتایج حسابرسی و همکاری با مدیریت و حسابرس مستقل در حل مشکلات کنترل داخلی یا نقاط ضعف مشخص شده طی عملیات حسابرسی است. کمیته های حسابرسی باید به طرز صحیح سازماندهی شوند و مورد استفاده قرار گیرند، در این صورت، این کمیته ها می توانند برای کلیه گروه های علاقه مند منافع چشمگیری داشته باشند. کمیته های حسابرسی می توانند وظیفه ی مباشرت گزارشگری هیئت مدیره را تقویت کنند، همچنین می توانند ارتباط بین حسابرس مستقل و مدیریت را بهبود ببخشند و میزان استقلال حسابرس را از طریق خدمت کردن بعنوان سپر بین حسابرس و مدیریت افزایش دهند. همچنین کمیته های حسابرسی به مودیان مالیاتی و اعتبار دهندگان کمک می کنند تا مطمئن شوند منافع آنها در اثر انجام حسابرسی به حداکثر می رسد (علوی طبری و عصابخش، ۱۳۸۹؛ اعتمادی و شفاخیبری، ۱۳۹۰؛ ویلسون و همکاران^۱، ۱۹۹۹).

از سوی دیگر ویژگی های مختلف کمیته ی حسابرسی شامل: تخصص مالی، استقلال، اندازه و ... می توانند بر اثر بخشی کمیته حسابرسی اثر بگذارند. مطالعات قبلی نشان می - دهد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی به آنها کمک می کند که بطور موثرتر بر فرآیند گزارشگری مالی نظارت کنند (بدارد و همکاران، ۲۰۰۴؛ کریشان و ویسواناتان^۲، ۲۰۰۸). دالیوال و همکاران^۳ (۲۰۱۰) بیان می دارند که کمیته های حسابرسی با حداقل یک کارشناس مالی می توانند مدیریت سود تعهدی را بطور موثرتر، نسبت به کمیته های حسابرسی که فاقد تخصص مالی اند، کنترل کنند.

اندازه کمیته حسابرسی نیز می تواند تاثیر سازنده ای بر کمیته حسابرسی داشته باشد (بگستر و کاتر^۴، ۲۰۰۹). کمیته های حسابرسی بزرگ شامل اعضای با تخصص های متنوع بصورت موثرتری بر شیوه های گزارشگری مالی نظارت دارند (وافیس^۵، ۲۰۰۵). همچنین استقلال کمیته حسابرسی بعنوان یکی از ویژگی های ضروری و تاثیرگذار بر اثر بخشی

1. Wilson *et al*
 2. Krishnan and Visvanathan
 3. Dhaliwal *et al*
 4. Baxter and Cotter
 5. Vafeas

کمیته حسابرسی در فرآیند نظارت بر گزارشگری مالی در نظر گرفته می شود، که بر این اساس کلاین (۲۰۰۲) در تحقیق خود نشان داد که استقلال بیشتر کمیته حسابرسی (یعنی نسبت مدیران مستقل در کمیته حسابرسی) منجر به مدیریت سود تعهدی کم تر می شود. همچنین سان و همکاران (۲۰۱۴) معتقداند در حالی که مطالعات موجود نشان دهنده تاثیر برخی از ویژگی های کمیته حسابرسی در محدود کردن مدیریت سود تعهدی و افزایش کیفیت گزارشگری مالی می باشد ولی اثر این ویژگی ها در محدود کردن مدیریت سود از طریق اقلام واقعی به درستی تبیین نشده است.

مدیریت سود

بطور کلی در ادبیات مالی در مورد انگیزه مدیریت سود دو دیدگاه وجود دارد؛ که عبارتند از: تئوری علامت دهی و تئوری نمایندگی .

تئوری علامت دهی بیان می کند که مدیران از مدیریت سود برای علامت دادن و رساندن اخبار خوب به بازار و ذینفعان استفاده می کنند. به عنوان مثال اگر شرکت شاهد یک روند رو به رشد در بهبود عملکرد باشد، مدیریت به منظور استنباط بازار سرمایه از روند سودآوری آتی شرکت از مجرای مدیریت سود استفاده می کند که می تواند بر ارزش بازار سهام شرکت اثر گذار باشد (اهرونی و سواری^۱، ۱۹۸۰)

در مقابل دیدگاه علامت دهی، تئوری نمایندگی به تضاد منافع بین مدیر و مالک اشاره دارد. طبق این تئوری تضاد بالقوه بین مالک و مدیر منجر به اقداماتی توسط مدیر می شود که می تواند هزینه نمایندگی را موجب شود که سهامداران مجبور به تحمل آن خواهند بود؛ برای کاهش یا مخفی کردن هزینه نمایندگی، مدیران اقدام به مدیریت سود می کنند (کرمی و همکاران ، ۱۳۸۹). در این مطالعه ما از دیدگاه تئوری نمایندگی به بررسی تاثیر کمیته حسابرسی بر مدیریت سود می پردازیم .

بطور کلی مدیریت سود زمانی اتفاق می افتد که مدیریت در تلاش است تا تصویر مناسب تری از شرکت برای ذی نفعان ارائه دهد خواه برای علامت دهی و یا حفظ منافع شخصی باشد؛ زیرا انتظار می رود این تصویر بر منافع مدیران تاثیر مستقیم و یا غیر مستقیم داشته باشد (استروبل^۲، ۲۰۰۹؛ فخاری و عدیلی، ۱۳۹۱). بورگستالر و دیچو^۳ (۱۹۹۷)

1. Aharony and Swary
2. Strobl
3. Burgstahler and Dichev

معتقداند مدیران برای عدم گزارش ضررها یا افت درآمد، به مدیریت سود می پردازند. همچنین اسکپیر^۱ (۱۹۸۹) و هلی و واهلن^۲ (۱۹۹۹) معتقداند که معمولاً افق دید مدیران برای مدیریت سود بیشتر کوتاه مدت است تا بلند مدت.

رویچادوری^۳ (۲۰۰۶) معتقد است که مدیران به دو طریق به مدیریت سود اقدام می کنند: ۱- از طریق ارقام تعهدی (شامل تغییر در رویه های حسابداری و اعمال کنترل بر ارقام تعهدی) ۲- دستکاری فعالیت های واقعی. رویچادوری (۲۰۰۶) در تحقیق خود نشان داد که شرکتها برای جلوگیری از گزارش زیان سالانه از طریق فعالیت هایی شامل: ۱- دستکاری فروش ۲- کاهش هزینه های اختیاری ۳- تولید بیش از حد، اقدام به مدیریت سود می کنند.

دستکاری فروش بدین معنی است که مدیران کوشش می کنند تا موقتا فروشهای در طول سال را بوسیله ارائه تخفیف قیمت یا شرایط اعتباری بسیار ملایم افزایش دهند، که این اقدام موجب افزایش سود می شود. کاهش هزینه های اختیاری بدین معنی است که مدیران با دستکاری هزینه های اختیاری از قبیل: هزینه های تبلیغات، هزینه های تحقیق و توسعه و هزینه های عمومی و اداری سعی در مدیریت سود دارند. تولید بیش از حد بدین معنی است که مدیران سود را با تولید واحد های بیش تر برای کاهش هزینه های ثابت هر واحد و در نتیجه کاهش بهای تمام شده کالای فروش رفته، افزایش می دهند (ژانگ^۴، ۲۰۰۸؛ رویچادوری، ۲۰۰۶؛ یو^۵، ۲۰۰۸؛ فخاری و عدیلی، ۱۳۹۱).

سان و همکاران (۲۰۱۴) معتقداند بعد از رسوایی های اخیر مالی (۲۰۰۰) که در پی آن منجر به وضع قوانین جدید در ساختار حاکمیت شرکتی شد، مدیران مدیریت سود واقعی را به مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی ترجیح دادند. همچنین آنان معتقداند که استفاده از ارقام واقعی برای مدیریت سود می تواند بیانگر تنزل اخلاقی مدیران در برخورد با مدیریت سود باشد و این موضوع نگرانی بیشتری را متوجه حسابداران می کند.

با توجه به توضیحات فوق می توان نقش کمیته حسابرسی را به عنوان یکی از مکانیزم های مهم حاکمیت شرکتی در کاهش هزینه نمایندگی ناشی از مدیریت سود مهم و حتمی تلقی کرد. همچنین ویژگی های این کمیته می تواند نقش موثر در کارکرد آن داشته باشد

1.Schipper
2.Healy and Wahlen
3.Roychowdhuty
4.Zhang
5.Yu

لذا ارتباط تنوریکی بین ویژگی های کمیته حسابرسی و مدیریت سود متصور است؛ بر این اساس هدف تحقیق حاضر مطالعه تاثیر ویژگی های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود واقعی است. برای طرح و تدوین سوالات و فرضیات تحقیق مرور پیشینه تحقیق مفید خواهد بود که در ادامه به آن می پردازیم.

پیشینه تحقیق

به دلیل نو ظهور بودن وجود کمیته حسابرسی در ایران که طبق ماده ۱۰ سازمان بورس و اوراق بهادار در سال ۱۳۹۱ برای تمامی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و فرابورس الزامی گردیده است، تحقیقات کمی در زمینه کمیته حسابرسی انجام شده است؛ تحقیقات انجام شده بیشتر در زمینه مبانی نظری بوده (سجادی و همکاران، ۱۳۸۵) و یا به طور تجربی تاثیر وجود یا عدم وجود کمیته حسابرسی بر سازه های مالی مورد آزمون قرار گرفته است (اعتمادی و شفاخیبری، ۱۳۹۰؛ باباجانی و خنکا، ۱۳۹۱).

اعتمادی و شفاخیبری (۱۳۹۰) به بررسی تاثیر جریان های نقدی آزاد بر مدیریت سود و نقش وجود کمیته حسابرسی در آن پرداختند. نتایج نشان می دهد که شرکتهایی که دارای کمیته حسابرسی هستند مدیریت سود بهتری نسبت به سایر شرکتهای دارند، آنها همچنین با بررسی رابطه کمیته حسابرسی و جریان های نقد آزاد و متغیر های کنترلی نشان دادند که رابطه معناداری بین کمیته ی حسابرسی و جریان های نقد آزاد وجود ندارد.

سجادی و همکاران (۱۳۸۵) در یک پژوهش توصیفی به بررسی ضرورت ایجاد کمیته حسابرسی از دیدگاه مدیران مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج تحقیق نشان می دهد که وجود کمیته حسابرسی از نظر نظری بر کیفیت گزارشگری مالی، کنترل های داخلی، عملکرد حسابرس مستقل، عملکرد حسابرس داخلی و همچنین در جلوگیری از تقلب مدیریت موثر است.

باباجانی و خنکا (۱۳۹۱) به بررسی ضرورت تشکیل کمیته حسابرسی و استقرار واحد حسابرسی داخلی در شهرداری های کلان شهرها برای ارتقا سطح مسئولیت پاسخگویی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که تشکیل کمیته حسابرسی و استقرار واحد حسابرسی داخلی در شهرداری های کلان شهرها موجب ارتقا سطح ایفا و ارزیابی مسئولیت پاسخگویی مالی و عملیاتی نهادهای مذکور می شود.

علی رغم تعداد کم تحقیقات داخلی، بازنگری تحقیقات انجام شده در سایر کشورها نشان می دهد که در سایر کشورها نیز تحقیقات زیادی در مورد اثر ویژگی های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود وجود ندارد. گارون^۱ (۲۰۰۹) به بررسی رابطه ویژگی های کمیته حسابرسی با مدیریت سود افزایشی از طریق افزایش در فروش و کاهش هزینه های اختیاری پرداخت. نتایج نشان می دهد که شرکتهایی که دارای کمیته حسابرسی با اعضای مؤثر مدیریتی هستند، احتمال بیشتری برای مدیریت سود واقعی دارند.

ویسواناتان (۲۰۰۸) با استفاده از داده های قبل از تدوین قانون ساربنز-اکسلی به بررسی ارتباط بین مدیریت سود واقعی و سه ویژگی کمیته حسابرسی از جمله؛ استقلال کمیته حسابرسی، اندازه کمیته حسابرسی و تعداد دفعات جلسه کمیته حسابرسی پرداخت. نتایج نشان می دهد که دفعات جلسه کمیته حسابرسی ارتباط منفی با مدیریت سود واقعی دارد و همچنین دریافت که اندازه کمیته حسابرسی و استقلال کمیته حسابرسی ارتباطی با سه معیار مدیریت سود واقعی ندارند.

کارسلو و نیل^۲ (۲۰۰۳) نشان می دهند که استقلال کمیته حسابرسی با افشای وضعیت مالی شرکتهایی که با بحران مالی روبرو شده اند ارتباط دارد، نتایج آنها نشان می دهد ارتباط مثبتی بین استقلال کمیته حسابرسی و افشاء اطلاعات در شرکتهایی که تجربه بحران مالی داشته اند، وجود دارد.

کارسلو و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیق دیگری به بررسی اثر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی در هزینه های تولید غیرعادی و هزینه های اختیاری غیر عادی پرداختند. آنها دریافتند که اگر چه تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی ارتباطی با هزینه های تولید غیر عادی ندارد ولی رابطه مثبتی با هزینه های اختیاری غیر عادی برای شرکتهای با ساختار حاکمیت شرکتی ضعیف دارد.

ابوت و همکاران^۳ (۲۰۰۲) به بررسی رابطه بین ویژگی های کمیته حسابرسی و نوع اظهار نظر اشتباه نسبت به گزارشگری مالی پرداختند. نتایج آنها نشان می دهد که استقلال کمیته حسابرسی و تعداد جلسات حداقل چهار بار در سال کمیته حسابرسی ارتباط معکوس با ارائه مجدد صورتهای مالی دارد. همچنین یافته ها نشان می دهد که عدم تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی، ارتباط مستقیم با تجدید ارائه گزارش های مالی دارد.

1. Garven

2. Carcello and Neal

3. Abbott *et al*

به طور کلی مرور ادبیات نشان می دهد که ویژگی های مختلف کمیته حسابرسی بر اثر بخشی اجرای وظایف کمیته حسابرسی موثر است. با توجه به موضوع فوق بررسی این ارتباط برای بازار سرمایه نو ظهور ایران مفید خواهد بود انتظار می رود تحقیق فوق علاوه بر بسط تئوریکی ادبیات کمیته حسابرسی برای حرفه از جهت شناسایی نقش و اهمیت کمیته حسابرسی مفید باشد.

روش شناسی پژوهش

فرضیه های تحقیق

با توجه به چارچوب نظری و پیشینه تحقیق ، به منظور دستیابی به هدف پژوهش فرضیه های پژوهش به شرح زیر تدوین شده است :

فرضیه ۱: تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی اثر معناداری بر مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری فروش دارد .

فرضیه ۲: اندازه کمیته حسابرسی اثر معناداری بر مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری فروش دارد .

فرضیه ۳: استقلال کمیته حسابرسی اثر معناداری بر مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری فروش دارد .

فرضیه ۴: تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی اثر معناداری بر مدیریت سود واقعی از طریق تولید بیش از حد دارد .

فرضیه ۵: اندازه کمیته حسابرسی اثر معناداری بر مدیریت سود واقعی از طریق تولید بیش از حد دارد.

فرضیه ۶: استقلال کمیته حسابرسی اثر معناداری بر مدیریت سود واقعی از طریق تولید بیش از حد دارد.

فرضیه ۷: تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی اثر معناداری بر مدیریت سود واقعی از طریق کاهش هزینه های اختیاری دارد.

فرضیه ۸: اندازه کمیته حسابرسی اثر معناداری بر مدیریت سود واقعی از طریق کاهش هزینه های اختیاری دارد.

فرضیه ۹: استقلال کمیته حسابرسی اثر معناداری بر مدیریت سود واقعی از طریق کاهش هزینه های اختیاری دارد.

روش پژوهش

روش تحقیق مذکور توصیفی رگرسیونی بوده و از نظر شیوه استدلال قیاسی-استقرایی است. اگرچه در اکثر تحقیقات مبتنی بر رگرسیون چند متغیره، تحلیلها به صورت تحلیل ترکیبی داده ها می باشد، لیکن با توجه به اینکه زمان زیادی از تصویب و الزام اجباری شدن کمیته حسابرسی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار نمی گذرد، لذا مطالعه تحقیق حاضر به صورت مقطعی انجام شده است.

برای آزمون فرضیات از اطلاعات گردآوری شده مبتنی بر اطلاعات واقعی بازار سهام، صورتهای مالی و یادداشتهای همراه صورتهای مالی شرکتهای استفاده شده است. همچنین برای تحصیل بخشی از اطلاعات راجع به صورتهای مالی، از سایت سازمان بورس استفاده شده است.

جامعه آماری تحقیق متشکل از کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش برای انتخاب نمونه از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است، بدین ترتیب که نخست تمام شرکتهای در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ انتخاب شدند، سپس از بین شرکتهای موجود، شرکتهای فاقد هر یک از شرایط زیر از نمونه خارج شدند:

۱- قبل از سال ۱۳۹۰ در بورس پذیرفته شده باشند.

۲- اطلاعات آنها در دسترس باشد.

۳- جز شرکتهای سرمایه گذاری و واسطه گری مالی نباشد.

۴- سهام شرکتهای در طول سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ معامله شده باشد.

۵- شرکتهای نباید سال مالی خود را تغییر داده باشند.

با در نظر گرفتن محدودیتهای فوق در نهایت ۱۱۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای نمونه انتخاب شده که جهت خلاصه کردن اطلاعات از نرم افزار صفحه گسترده اکسل^۱ استفاده شده است. در نهایت با استفاده از نرم افزار ایویوز^۲، تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها صورت گرفته است.

مدل و متغیر های پژوهش

با توجه به فرضیه های پژوهش ، برای آزمون رابطه بین مدیریت سود از طریق فعالیتهای واقعی و ویژگی های کمیته حسابرسی مستقل از مدل رگرسیون خطی چند متغیره زیر استفاده می شود که شکل تعدیل شده مدل سان و همکاران در سال ۲۰۱۴ می باشد :

$$REMi,t = \alpha_0 + \alpha_1 ACEXPi,t + \alpha_2 ACSIZEi,t + \alpha_3 ACINDi,t + \alpha_5 SIZEi,t + \alpha_6 MBit + \alpha_7 ROAi,t + \alpha_8 AGEi,t + \epsilon_i + \alpha_4 BDINDi,t$$

متغیر وابسته

$REMi,t$: معیار سود مبتنی بر فعالیت های واقعی که شامل: جریان های نقدی غیر عادی، تولید غیر عادی و هزینه های اختیاری غیر عادی می باشد. مشابه پژوهشهای رویچادوری (۲۰۰۶) ، یو (۲۰۰۸) ، ژانگ (۲۰۰۸) و فخاری و عدیلی (۱۳۹۱) ، به ترتیب از مدل های زیر برای تخمین جریان های نقدی غیر عادی، تولید غیر عادی و هزینه های اختیاری غیر عادی استفاده می شود، به گونه ای که باقی مانده این مدلها بعنوان معیاری برای مدیریت سود از طریق ارقام واقعی در نظر گرفته می شود:

$$(1) CFOi,t / Ai,t-1 = \alpha_0 + \alpha_1 (1 / Ai,t-1) + \alpha_2 (Si,t / Ai,t-1) + \alpha_3 (\Delta Si,t / Ai,t-1) + \gamma_{i,t}$$

$$(2) PRODi,t / Ai,t-1 = \alpha_0 + \alpha_1 (1 / Ai,t-1) + \alpha_2 (Si,t / Ai,t-1) + \alpha_3 (\Delta Si,t / Ai,t-1) + \alpha_4 (\Delta Si,t-1 / Ai,t-1) + \delta_{i,t}$$

$$(3) DISEXPi,t / Ai,t-1 = \alpha_0 + \alpha_1 (1 / Ai,t-1) + \alpha_2 (Si,t-1 / Ai,t-1) + \lambda_{i,t}$$

A: کل دارایی ها ، S: فروش ، ΔS : تغییر در فروش ، CFO: جریان نقدی حاصل از عملیات ، $\gamma_{i,t}$: باقی مانده مدل (۱) بعنوان معیاری برای اندازه گیری جریان غیر عادی، PROD: بهای تمام شده کالای فروش رفته بعلاوه تغییر در موجودی ها ، $\delta_{i,t}$: باقی مانده مدل (۲) بعنوان معیاری برای اندازه گیری تولید غیر عادی، DISEXP: هزینه های تبلیغات، اداری، عمومی و فروش ، $\lambda_{i,t}$: باقی مانده مدل (۳) بعنوان معیاری برای اندازه گیری هزینه های اختیاری غیر عادی

متغیرهای مستقل

$ACEXP_{i,t}$: نسبت اعضای کمیته حسابداری دارای تخصص مالی و حسابداری به تعداد کل اعضای کمیته حسابداری در شرکت i در سال t می باشد.

$ACSIZE_{i,t}$: تعداد کل اعضای کمیته حسابداری در شرکت i در سال t می باشد.

$ACIND_{i,t}$: استقلال کمیته حسابداری (نسبت اعضای مستقل یا غیر موظف در کمیته حسابداری به تعداد کل اعضای کمیته حسابداری) در شرکت i در سال t می باشد.

متغیرهای کنترلی

$BDIND_{i,t}$: نسبت مدیران مستقل (غیر موظف) در هیئت مدیره شرکت i در سال t می باشد.

$SIZE_{i,t}$: لگاریتم اندازه شرکت (ارزش بازار شرکت در پایان سال) که از حاصل ضرب تعداد کل سهام در قیمت بازار هر سهم شرکت i در سال t بدست می آید.

$Mbit$: شاخص رشد، نسبت ارزش بازار سهم شرکت i در سال t به ارزش دفتری سهم آن شرکت در همان سال می باشد.

$ROA_{i,t}$: بازده دارایی ها، نسبت سود قبل از اقلام غیر عادی بر کل دارایی های شرکت i در سال t می باشد.

$AGE_{i,t}$: سن شرکت i در سال t ، شامل تعداد سالهایی که شرکت به عضویت بورس اوراق بهادار در آمده است.

ε_{it} : مانده مدل رگرسیون چند متغیر خطی می باشد.

یافته های تحقیق

آمار توصیفی

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده ها، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش محاسبه و در نگاره شماره ۱ ارائه شده است.

میانگین و میانه برای متغیرهای وابسته به ترتیب $۰/۰۰۵۰۸۶$ و $۰/۰۰۳۴۸۴$ برای جریان نقدی غیر عادی، $۰/۱۵۰۱۸۳$ و $۰/۱۱۱۴۱۱$ برای تولید غیر عادی و $۰/۱۹۷۲۰۵$ و $۰/۱۲۳۳۴۹$ برای هزینه های اختیاری غیر عادی می باشد که نشان از مدیریت سود بیشتر از طریق

هزینه‌ها در شرکتهای ایرانی است، همچنین فاصله زیاد بین میانگین و میانه در اقلام هزینه‌های اختیاری نشان دهنده پراکندگی داده‌ها در نمونه انتخابی می‌باشد که انحراف معیار بیشتر هزینه‌های اختیاری نیز موید این امر است. اگرچه فاصله زیاد بین نسبت تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی که از صفر تا یک نوسان دارد بیانگر پراکندگی نوع تخصص در اعضای کمیته حسابرسی می‌باشد. اما فاصله کم میانگین و میانه در تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی که با ضریب چولگی کم همراه است بیانگر توزیع نرمال تخصص اعضای کمیته حسابرسی است. همچنین نبود تخصص مالی در بعضی از شرکتهای نمونه نشان دهنده عدم رعایت منشور کمیته حسابرسی که تاکید بر وجود حداقل دانش مالی در بین اعضای کمیته است می‌باشد

اندازه کمیته که در شرکتهای ایرانی معمولاً بین ۳ تا ۵ نفر می‌باشد که با میانگین نزدیک به ۳ نشان دهنده این مطلب است که بیشتر شرکتها از اعضای کمیته ۳ نفره تشکیل شده‌اند. استقلال اعضای کمیته که طبق منشور کمیته حسابرسی باید حداقل از یک یا دو عضو غیر موظف هیئت مدیره در ترکیب های ۳ نفره و ۵ نفره تشکیل شده باشد نشان می‌دهد که در شرکتهای نمونه استقلال رعایت شده و بیشتر شرکتها از استقلال برخوردار بوده‌اند که میانگین نزدیک به ۷۳ درصد نیز موید بر این مدعا است.

نگاره ۱: آمار توصیفی

متغیرها	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی
باقی مانده جریان نقدی غیر عادی	$\gamma_{i,t}$	۰/۰۰۵۱	۰/۰۰۳۵	۰/۰۴۵۵	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۵۶	۳/۸۵۲۲
باقی مانده تولید غیر عادی	$\delta_{i,t}$	۰/۱۵۰۲	۰/۱۱۱۴	۰/۵۵۳۹	۰/۰۰۱۲	۰/۱۳۳۴	۱/۱۷۶۲
باقی مانده هزینه‌های اختیاری غیر عادی	$\lambda_{i,t}$	۰/۱۹۷۲	۰/۱۲۳۳	۱/۸۰۰۵	۰/۰۰۳۰	۰/۲۲۲۴	۳/۷۵۴۸
تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی	ACEX P	۰/۶۸۴۷	۰/۶۶۶۷	۱	۰	۰/۲۶۰۶	-۰/۴۷۴۷
اندازه کمیته حسابرسی	ACSIZ E	۳/۱۳۳۹	۳	۵	۳	۰/۴۹۳۱	۳/۴۶۳۱

۰/۳۷۴۱	۰/۱۶۶۶	۰/۳۳۳۳	۱	۰/۶۶۶۷	۰/۷۲۷۵	ACIN D	استقلال اعضای کمیته حسابرسی
-۰/۴۶۴۶	۰/۱۸۶۸	۰/۲	۱	۰/۸	۰/۷۰۳۶	BDIN D	استقلال هیئت مدیره
۰/۷۱۸۸	۰/۷۱۶۷	۴/۸۳۴۹	۸/۳۳۴۸	۶/۳۵۳۲	۶/۳۵	SIZE	لگاریتم اندازه شرکت
۱/۶۶۱۹	۲/۵۹۰۹	۰/۴۷۶۸	۱۴/۹۶۹۳	۳/۳۰۶۱	۴/۱۳۵۷	MB	شاخص رشد
۰/۵۱۹۲	۰/۱۵۳۷	-۰/۰۴	۰/۶۴۶۲	۰/۲۱۳	۰/۲۳۸۶	ROA	بازده دارایی
۱/۵۲۸۵	۱۰/۰۰۶۸	۴	۵۲	۱۷	۱۷/۵۸۹۳	AGE	سن شرکت

آمار استنباطی

برای اتکاء به نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه های پژوهش لازم است تا فرضیات مربوط به رگرسیون کلاسیک مدل مورد آزمون قرار گیرد. با توجه به تعداد داده ها می-توان بر مبنای قضیه حد مرکزی به نرمال بودن داده ها اعتماد داشته و انتظار تورش در نتایج به دست آمده را منتفی دانست. همچنین با توجه به این که مطالعه مذکور به صورت مقطعی انجام شده، ناهمسانی واریانس داده ها اجتناب ناپذیر بود که برای حل آن از GLS استفاده شده است. همچنین اماره VIF متغیرها نشان از عدم وجود هم خطی بین متغیرها دارد که در نگاره ۱ ارائه شده است.

نگاره شماره ۲ بیانگر نتایج آزمون فرضیات ۱، ۲ و ۳ پژوهش می باشد که آماره F کل مدل بیانگر معناداری مدل ارائه شده جهت پیش بینی رفتار مدیریت سود می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده^۱ در مدل مساوی ۰/۶۸۵ است که حاکی از این مطلب است که حدود ۶۸٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می شود. همچنین آماره دوربین واتسون^۲ با مقدار ۱/۷۲۱۷ نشان از عدم همبستگی بین باقیمانده های مدل می باشد.

همچنان که از نگاره ۲ مشخص است، ویژگی های کمیته حسابرسی در نمونه های مورد بررسی تاثیر معناداری بر رفتار مدیریت سود شرکتها دارد. ضریب آماره t متغیر، نشان

1. Adjusted R-squared
2. Durbin-Watson

می دهد که تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری فروش در سطح خطای ۵٪ رابطه مثبت و معنا دار دارند بنابراین فرضیه اول تحقیق پذیرفته می شود. با توجه به ضریب تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی در نگاره ۲، می توان نتیجه گرفت به ازای هر واحد افزایش در نسبت تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی، مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری فروش ۰/۰۰۹۲ واحد افزایش می یابد. خروجی نگاره زیر همچنین حاکی از آن است که بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری فروش، در سطح خطای ۵٪ رابطه معنادار مثبت وجود دارد، در نتیجه فرضیه دوم تحقیق پذیرفته می شود. با توجه به ضریب اندازه کمیته حسابرسی می توان گفت به ازای ۱ واحد افزایش در اندازه کمیته حسابرسی، ۰/۰۰۷۲ واحد مدیریت سود از طریق دستکاری فروش افزایش می یابد. همچنین براساس جدول می توان دریافت که بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری فروش در سطح خطای ۱٪ رابطه معنادار مثبت وجود دارد، بنابراین فرضیه سوم تحقیق پذیرفته می شود. بر اساس نتایج فوق به ازای ۱ واحد افزایش در نسبت استقلال اعضای کمیته حسابرسی، مدیریت سود از طریق دستکاری فروش به میزان ۰/۰۲۷۸ واحد افزایش می یابد.

نگاره ۲ : نتایج آزمون مربوط به فرضیه های ۱، ۲ و ۳

متغیرها	نماد متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری	VIF
ضریب ثابت	C	۰/۰۱۵۱	۰/۰۱۴۸	۱/۰۲۷	۰/۳۰۹۸	-
تخصص مالی اعضای کمیته**	ACEXP	۰/۰۰۹۲	۰/۰۰۴۱	۲/۲۱۹۹	۰/۰۲۸۶	۲/۰۵۶
اندازه کمیته حسابرسی**	ACSIZE	۰/۰۰۷۲	۰/۰۰۲۹	۲/۴۶۲۹	۰/۰۱۵۴	۱/۱۶۹
استقلال کمیته حسابرسی***	ACIND	۰/۰۲۷۸	۰/۰۰۷۱	۳/۹۱۱۱	۰/۰۰۰۲	۲/۱۴۶
استقلال هیئت مدیره***	BDIND	۰/۰۳۷۲	۰/۰۰۶۷	۵/۵۱۵۵	۰/۰۰۰۰	۱/۲۲۱
اندازه شرکت***	SIZE	-۰/۰۱۴۱	۰/۰۰۱۵	-۹/۴۹۵۵	۰/۰۰۰۰	۲/۰۸۸
شاخص رشد***	MB	۰/۰۰۱۶	۰/۰۰۰۵	۳/۰۱۸۴	۰/۰۰۳۲	۱/۴۲۶
بازده دارایی***	ROA	۰/۰۲۷۷	۰/۰۰۷۹	۳/۵۱۷۵	۰/۰۰۰۶	۲/۸۰۶

۱/۴۷۲	۰/۴۷۲۶	۰/۷۲۰۹	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۱	AGE	سن شرکت
۰/۰۰۰۰		احتمال آماره F		۳۱/۱۷۰۳	آماره F	
۰/۶۸۵		ضریب تعیین تعدیل شده		۱/۷۲۱۷۴۹	دوربین- واتسون	

علامت ها ****، *** و ** به ترتیب نشان دهنده معنادار بودن متغیرها در سطح اطمینان ۹۹ درصد، ۹۵ درصد و ۹۰ درصد هستند.

نگاره شماره ۳ آماره تحلیلی فرضیه‌های چهارم، پنجم و ششم را مورد بررسی قرار می‌دهد. با توجه به احتمال آماره F (۰/۰۰۰۰)، معناداری مدل تایید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که به طور متوسط ۴۷٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط این متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین می‌شود. آماره دوربین- واتسون نیز به میزان ۱/۶۴۶۷۸۸، نشان از عدم خود همبستگی بین خطاها می‌باشد.

براساس نگاره شماره ۳، می‌توان نتیجه گرفت بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی از طریق تولید بیش از حد رابطه معناداری وجود ندارد در نتیجه فرض چهارم پژوهش رد می‌شود. مطابق پیش بینی، ضریب و آماره t که نشان می‌دهد بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی از طریق تولید بیش از حد در سطح خطای ۵٪ رابطه معنادار معکوس وجود دارد، که موید بر پذیرش فرضیه پنجم تحقیق می‌باشد. همچنین ضریب این متغیر مستقل نشان می‌دهد به ازای ۱ واحد افزایش در اندازه کمیته حسابرسی، مدیریت سود واقعی از طریق تولید بیش از حد به میزان ۰/۰۵۹۹ واحد کاهش می‌یابد. نتایج آزمون فرضیه ششم در نگاره شماره ۳ نشان می‌دهد که بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی از طریق تولید بیش از حد رابطه معناداری وجود ندارد، در نتیجه فرضیه ششم تحقیق رد می‌شود.

نگاره ۳: نتایج آزمون مربوط به فرضیه های ۴، ۵ و ۶

VIF	معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضریب	نماد متغیر	۱۱
-	۰/۰۰۶۵	۲/۷۷۹۵	۰/۱۵۳۲	۰/۴۲۵۹	C	ضریب ثابت***
۱/۶۴۲	۰/۴۲۸۳	-۰/۷۹۵۳	۰/۰۴۵۱	-۰/۰۳۵۹	ACEXP	تخصص مالی اعضای کمیته
۱/۱۷۹	۰/۰۲۰۳	-۲/۳۵۷۱	۰/۰۲۵۴	-۰/۰۵۹۹	ACSIZE	اندازه کمیته حسابرسی**
۱/۶۰۵	۰/۴۸۱۴	-۰/۷۰۶۶	۰/۰۷۱۵	-۰/۰۵۰۵	ACIND	استقلال کمیته حسابرسی
۱/۵۰۱	۰/۰۳۳۱	-۲/۱۵۹۷	۰/۰۶۴۲	-۰/۱۳۸۶	BDIND	استقلال هیئت مدیره**
۲/۳۶۹	۰/۵۹۴۰	۰/۵۳۴۸	۰/۰۲۱	۰/۰۱۱۲	SIZE	اندازه شرکت
۱/۲۰۳	۰/۴۳۹۵	-۰/۷۷۶۰	۰/۰۰۵۶	-۰/۰۰۴۴	MB	شاخص رشد
۲/۰۹۵	۰/۰۰۰۰	۷/۴۴۲۵	۰/۰۶۴	۰/۴۷۶۶	ROA	بازده دارایی***
۱/۶۷۶	۰/۱۱۳۴	۱/۵۹۶۸	۰/۰۰۱۵	۰/۰۰۲۴	AGE	سن شرکت
۰/۰۰۰۰		احتمال آماره F		۱۳/۲۸۳۸		آماره F
۰/۴۷۰		ضریب تعیین تعدیل شده		۱/۷۴۶۷۸۸		دوربین- واتسون

علامتها ** ، *** و * به ترتیب نشان دهنده معنادار بودن متغیرها در سطح اطمینان ۹۹ درصد، ۹۵ درصد و ۹۰ درصد هستند.

نتایج آزمون فرضیه های هفتم، هشتم و نهم در نگاره شماره ۴ ارائه شده است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد به طور متوسط ۶۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط این متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین می شود و با توجه به احتمال آماره F (۰/۰۰۰۰) معناداری مدل تایید می شود. مقدار آماره دوربین- واتسون نیز به میزان ۱/۷۳۶۳۲۷، نشان از رفع خود همبستگی بین خطاها دارد.

براساس نگاره شماره ۴ معناداری تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی در سطح خطای ۱٪ پذیرفته می شود، که این سازگاری با فرضیه هفتم می باشد، همچنین ضریب تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بیانگر این است که به ازای ۱ واحد افزایش در

نسبت تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری هزینه های اختیاری به میزان ۰/۷۳۴۵ واحد کاهش می یابد. خروجی نگاره ۴ همچنین حاکی از آن است که اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی از طریق کاهش هزینه های اختیاری در سطح خطای ۱۰٪ رابطه معنادار منفی دارد، در نتیجه فرضیه هشتم تحقیق پذیرفته می شود. ضریب این متغیر در نگاره ۴، ۰/۲۱۱۴۲۸ می باشد، که نشان می دهد به ازای ۱ واحد افزایش در اندازه کمیته حسابرسی، ۰/۲۱۱۴ واحد مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری هزینه های اختیاری کاهش می یابد. همچنین نتایج نگاره شماره ۴ نشان می دهد که بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی از طریق کاهش هزینه های اختیاری در سطح خطای ۱٪ رابطه معنادار منفی وجود دارد که موید بر پذیرش فرضیه نهم تحقیق می باشد و ضریب آن نشان می دهد به ازای ۱ واحد افزایش در نسبت استقلال اعضای کمیته حسابرسی، مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری هزینه های اختیاری به میزان ۱/۴۳۵۳ واحد کاهش می یابد.

نگاره ۴: نتایج آزمون مربوط به فرضیه های ۷، ۸ و ۹

متغیرها	نماد متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری	VIF
ضریب ثابت	C	۲/۱۰۰۴	۰/۶۴۷۱	۳/۲۴۵۷	۰/۰۰۱۶	-
تخصص مالی اعضای کمیته***	ACEXP	-۰/۷۳۴۵	۰/۱۷۴۷	-۴/۲۰۴۵	۰/۰۰۰۱	۱/۸۳۲
اندازه کمیته حسابرسی*	ACSIZE	-۰/۲۱۱۴	۰/۱۲۴۱	-۱/۷۰۳۴	۰/۰۹۱۵	۱/۲۴۷
استقلال کمیته حسابرسی***	ACIND	-۱/۴۳۵۳	۰/۳۶۱۶	-۳/۹۶۹۸	۰/۰۰۰۱	۱/۴۲۴
استقلال هیئت مدیره***	BDIND	۱/۴۲۹۲	۰/۲۳۶۱	۶/۰۵۳۶	۰/۰۰۰۰	۱/۷۶۳
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۱۹	۰/۰۹۲۶	۰/۲۰۵۳	۰/۸۳۷۷	۲/۷۰۱
شاخص رشد	MB	-۰/۰۲۲	۰/۰۲۶۱	-۰/۸۴۰۲	۰/۴۰۲۸	۱/۳۷۸
بازده دارایی	ROA	-۰/۰۳۷۶	۰/۳۰۵	-۰/۱۲۳۳	۰/۹۰۲۱	۲/۱۹۹
سن شرکت***	AGE	-۰/۰۲۰۷	۰/۰۰۵	-۴/۱۶۷	۰/۰۰۰۱	۱/۲۹۸
آماره F		۳۰/۷۲۳	احتمال آماره F		۰/۰۰۰۰	
دوربین- واتسون		۱/۷۳۶۳۲۷	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۸۲	

علامت ها ***، ** و * به ترتیب نشان دهنده معنادار بودن متغیرها در سطح اطمینان ۹۹ درصد، ۹۵ درصد و ۹۰ درصد هستند.

نتیجه گیری

همچنان که از نگاره های شماره ۲، ۳ و ۴ معلوم شد، بین ویژگی های کمیته حسابرسی و مدیریت سود ارتباط معنادار وجود دارد به عبارتی این ویژگی ها می تواند بر میزان و جهت مدیریت سود واقعی شرکت اثر داشته باشد. همچنین این ویژگی ها به عنوان بخشی از اجزای حاکمیت شرکتی می تواند در جهت همسویی منافع سهام داران و مدیران به کار روند. بررسی اثر ویژگی تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود حاکی از این است که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق دستکاری هزینه های اختیاری تاثیر منفی دارد. همچنین نتایج پژوهش با یافته های کارسلو و همکاران (۲۰۰۸) که بیان می کنند تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی رابطه معناداری با هزینه های اختیاری غیر عادی دارد، مطابقت دارد. همچنین یافته های پژوهش نشان می دهد که بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی از طریق تولید غیر عادی رابطه وجود ندارد. این نتایج با یافته های کارسلو و همکاران (۲۰۰۸)، مطابقت دارد. همچنین نتایج ما نشان می دهد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری فروش تاثیر مثبت دارد.

همچنین بررسی تاثیر مثبت استقلال اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری فروش نشان می دهد که این رابطه در شرکتهای ایرانی در مورد شاخصهای مختلف مدیریت سود واقعی از از یکنواختی بر خوردار نمی باشد و همچنین بر اساس نظریه، قابل توجه نیست. یافته ها نشان می دهد که استقلال اعضای کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی از طریق تولید غیر عادی رابطه ای ندارد، که این یافته ها با نتایج ویسواناتان (۲۰۰۸) که در تحقیق خود به ارتباطی بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و سه معیار مدیریت سود واقعی دست نیافت هماهنگ است. همچنین نتایج نگاره ۳ حاکی از این است که استقلال اعضای کمیته حسابرسی ارتباط منفی با مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری هزینه های اختیاری دارد که این نتیجه با یافته های وافیس (۲۰۰۵) و کلاین (۲۰۰۲) که در تحقیق خود به ارتباط استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت سود دست یافتند هماهنگ است.

در مورد عامل سوم که اندازه کمیته حسابرسی است نتایج نشان می دهد که اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی از طریق تولید بیش از حد و مدیریت سود واقعی از طریق هزینه های اختیاری ارتباط منفی دارد که این نتایج با یافته های بگستر و کاتر (۲۰۰۹) که نشان می دهند کمیته های حسابرسی بزرگ به صورت موثرتر بر کیفیت گزارشگری مالی نظارت دارند هماهنگ است. لیکن اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری فروش ارتباط مثبت دارد که این رابطه مثبت با مبانی نظری همخوانی ندارد.

به طور کلی یافته های تحقیق نشان می دهد که مدیریت سود از طریق اقلام واقعی در شرکت های ایرانی جود داشته و بیشتر از طریق هزینه های اختیاری نمود پیدا می کند. اگرچه از افزایش تولید نیز برای مدیریت سود استفاده می شود این یافته ها با داده های توصیفی نگاره ۱ نیز همسویی دارد که هزینه های اختیاری از میاتگین بالاتری نسبت به سایر روشها برخوردار بوده اند. همچنین بازنگری ادبیات مورد بررسی نشان می دهد که ارتباط بین اجزای حاکمیت شرکتی (کمیته حسابرسی) و مدیریت سود در محیط هایی که از ضعف نظام راهبری شرکتی، علیرغم وجود قوانین رنج می برند، متعدد و متنوع می باشد. در کشور ما نیز علیرغم تدوین اصول راهبری شرکتی و ضرورت اجرای آن، تا کنون شرکتها ملزم به ارائه آنها حتی به صورت اختیاری به عموم نشده اند. لذا با توجه به ضعف محیط کنترلی در شرکت های ایرانی و همچنین نوپا بودن ایجاد کمیته حسابرسی، کارآمدی وجود کمیته حسابرسی در بعضی از موارد دچار ابهام است، اگرچه بطور کلی اکثریت یافته ها نشان می دهد که وجود کمیته حسابرسی اثر کاهشی بر مدیریت سود دارد.

پیشنهادها

با توجه به تایید وجود رابطه بین ویژگی های کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی، می توان پیشنهادات زیر را ارائه داد:

- ۱- الزام و پیگیری اجرای اصول حاکمیت شرکتی
- ۲- تقویت رعایت منشور کمیته حسابرسی، تدوین شده در سال ۱۳۹۱
- ۳- حمایت و پیگیری عمومیت یافتن منشور کمیته حسابرسی در تمامی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

۴- با توجه به اینکه تعداد بیشتر اعضای کمیته حسابرسی می تواند بر استقلال آن اثرگذار باشد لذا پیشنهاد می شود تا حداقل از ۵ نفر به جای ۳ نفر در ترکیب کمیته حسابرسی استفاده شود.

محدودیت های تحقیق

با توجه به نوظهور بودن کمیته حسابرسی، این تحقیق به صورت مقطعی انجام شده است که منجر به محدودیت در تعمیم دهی می شود. همچنین برای مطالعه تاثیر برخی ویژگی های کمیته حسابرسی نیاز به یک سری اطلاعات اضافی بود که به دلیل نبود پایگاه داده و عدم گزارش آن، بررسی ویژگی هایی همانند تعداد جلسات اعضای کمیته حسابرسی و دوره تصدی اعضای کمیته حسابرسی، امکان پذیر نبوده است.

طبق منشور کمیته حسابرسی یکی از شروط مستقل بودن اعضای کمیته حسابرسی، خارج از شرکت بودن اعضا بود که در شرکتهای ایرانی این بند رعایت نشده و مستقل بودن به معنای خارج از اعضای هیئت مدیره بودن تلقی شده است که این موضوع می تواند بر یافته های تحقیق تاثیر بگذارد.

با توجه به نوظهور بودن و جدید بودن وجود کمیته حسابرسی در ایران، مطالعه تاثیر ویژگی های کمیته حسابرسی و ارتباط آن با موضوعات مالی مربوط می تواند از جنبه غنا بخشیدن به مبانی نظری و فایده مندی عملی مفید واقع شود.

منابع

- اعتمادی، حسین و شفاخیبری، نصیبه، تاثیر جریان های نقد آزاد بر مدیریت سود و نقش کمیته ی حسابرسی در آن، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۹۰.
- باباجانی، جعفر و خنکا، عبدالخالق، ضرورت تشکیل کمیته حسابرسی و استقرار واحد حسابرسی داخلی در شهرداری های کلان شهرها برای ارتقاء سطح مسئولیت پاسخگویی، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال دهم، شماره ۳۳، ۱۳۹۱.
- تختائی، نصراله و تمیمی، محمد و موسوی، زهرا، نقش کمیته حسابرسی در کیفیت گزارشگری مالی، حسابدار رسمی، شماره ۴۵، ۱۳۹۰.
- سجادی، سید حسین و دستگیر، محسن و افشارجهانشاهی، مجتبی، ضرورت ایجاد کمیته حسابرسی صاحبکار، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۱۵، ۱۳۸۵.
- سلیمانی، غلامرضا و مقدسی، مینا، نقش کنترل های داخلی، حسابرس داخلی و کمیته حسابرسی در بهبود نظام راهبری (حاکمیت) شرکتی، پژوهش حسابداری، شماره ۱۲، ۱۳۹۳.
- علوی طبری، سید حسین و عصابخش، راضیه، نقش کمیته حسابرسی و بررسی موانع ایجاد و به کارگیری آن در ایران، مجله پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره دوم، شماره ۱، ۱۳۸۹.
- فخاری، حسین و عدیلی، مجتبی، بررسی رابطه بین جریان های نقدی آزاد و مدیریت سود از طریق فعالیتهای واقعی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره نوزدهم، شماره ۴، ۱۳۹۱.
- کرمی، غلامرضا و مهرانی، ساسان و اسکندر، هدی، بررسی تئوری نمایندگی و تئوری علامت دهی در سیاست های تقسیم سود: نقش سرمایه گذاران نهادی، مجله پیشرفتهای حسابداری دانشگاه شیراز، دوره دوم، شماره ۲، ۱۳۸۹.
- محمدیان، محمد، نقش و روابط حسابرس، کمیته حسابرسی و هیئت مدیره در پاسخگویی به سهامداران، حسابرس، شماره ۵۶، ۱۳۹۰.
- Abbott, J. Lawrence. Parker, Susan & Peters, Gray F (2002) , *Audit committee characteristics and financial misstatement: A study of the efficacy of certain blue ribbon committee recommendations* , Working Paper, University of Memphis, Santa Clara University and University of Georgia .

- Aharony J., & Swary, I (1980) , Quarterly Dividend and Earnings Announcements and Stockholders' Returns: An Empirical Analysis, *Journal of Finance*, Vol. 5.
- Baxter, P. & Cotter, J (2009), *Audit committees and earnings quality*, *Accounting and Finance*, Vol. 49 .
- Bedard, J., Chtourou, S.M. & Courteau, L (2004), The effect of audit committee expertise, independence, and activity on aggressive earnings management, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 23.
- Burgstahler, D. & Dichev, I (1997), Earnings management to avoid earnings decrease and losses, *Journal of Accounting and Economics* , 24(1) .
- Carcello, J. & Neal, T (2003) , *Audit Committee Characteristics and Auditor Dismissals Following New Going Concern Reports*, *Accounting Review*, 78(1).
- Carcello, J., Hollingsworth, C., Klein, A. & Neal, T (2008), *Audit committee financial expertise, competing corporate governance mechanisms, and earnings management*, working paper, University of Tennessee.
- Cohen, D.A. & Zarowin, P (2008), *Economic consequences of real and accrual-based earnings management activities*, working paper, New York University.
- Dhaliwal, D., Naiker, V. & Navissi, F (2010), The association between accruals quality and the characteristics of accounting experts and mix of expertise on audit committees, *Contemporary Accounting Research*, Vol. 27.
- Garven, S.A (2009), *The effect of board and audit committee characteristics on real earnings management: do boards and audit committees play a role in its constraint?*, working paper, University of Alabama, Tuscaloosa, AL.
- Healy, P. M. & Wahlen, J. M (1999), *A review of the earnings management literature and its implications for standard setting*, *Accounting Horizon*, 13.
- Klein, A (2002), Audit committee, board of director characteristics, and earnings management, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 33 .
- Krishnan, G. & Visvanathan, G (2008), Does the SOX definition of an accounting expert matter? The association between audit committee directors' accounting expertise and accounting conservatism , *Contemporary Accounting Research*, Vol. 25 .
- Roychowdhury, S (2006), Earnings management through real activities manipulatio , *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 42 .

- Schipper, K (1989), *Earnings Management*, Accounting Horizons, 3(4).
- Strobl, G (2009), *Earnings manipulation and the cost of capital*, University of North Carolina at Chapel Hill.
- Sun, Jerry & Lan, George & Liu, Guoping (2014), *Independent audit committee characteristics and real earnings management*, www.emeraldinsight.com.
- Vafeas, N (2005), Audit committees, boards, and the quality of reported earnings, *Contemporary Accounting Research*, Vol. 22.
- Visvanathan, G (2008), Corporate governance and real earnings management, *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, Vol. 12.
- Wilson, Earl R., Hay, Leon E. & Kattelus, Susan C (1999), *Accounting for governmental and nonprofit entities*, Irwin: McGraw-Hill.
- Yu, W (2008), *Accounting-based earnings management and real activities manipulation*, Georgia institute of technology.
- Zhang, W (2008), *Real activities manipulation to meet analysts' cash flow forecasts*, Working Paper, University of Texas at Dallas.